

ادامه از صفحه اول

وضعیت خودرو آینه تمام‌نمای اقتصاد ملی

در واقع نرخ سود صوری که خودروسازان ارائه می‌کردند، در سطحی بود که می‌توانست ترفندهای بانک مرکزی برای ساماندهی به بخش پولی کشور را بی‌اثر کند.

۳ - اقتصاد ایران میدان تاخت‌وتاز بخش غیرمولد است. در عرصه کشاورزی سال‌هاست این معضل موردتوجه متولیان امر است و البته ظاهراً کسی زورش نمی‌رسد که کاری انجام دهد. تولیدکنندگان بخش کشاورزی سهم اندکی از ارزشی را که خود آفریده‌اند، تملک می‌کنند و عمده سود نصیب عمده‌فروش‌ها و دلانان می‌شود. در سایر حوزه‌های تولیدی نیز کم‌وبیش با چنین وضعیتی روبه‌رو هستیم؛ اما شکل‌گیری بازی دلالی در عرصه صنعت خودرو واقعا شگفت‌انگیز است. برخلاف محصولات کشاورزی، کالایی مثل خودرو فارغ از نوسانات فصلی با نظمی منطقی تولید شده و به بازار عرضه می‌شود؛ اما ظاهراً عرضه منظم آن به بازار موجبات رضایت دللان قدرتمند را فراهم نمی‌کند؛ ازاین‌رو یک شبکه خاص دلالی در این بازار بی‌نیاز از دلال شکل گرفته تا کالای ساخته‌شده را با قیمتی بالاتر از قیمت فروش کارخانه در اختیار مصرف‌کنندگان واقعی قرار بدهند. به این ترتیب اقتصاد کلان‌مدن خیز ما که توان تولید سلطان در مقیاس وسیع را دارد، در عرصه تجارت خودرو هم موفق به برتخت‌نشاندن سلاطین بی‌تاج‌وتخت خودرو می‌شود.

۴ - نقدینگی سرگردان که محصول بی‌تدبیری‌های گذشته در عرصه سیاست‌گذاری پولی است، موجب شکل‌گیری تقاضای سفته‌بازانه در بازارهای خاص شده است. در بازار مسکن سفته‌بازان چنان شرایطی فراهم کرده‌اند که دست متقاضیان واقعی مسکن به کالای موردنیازشان نمی‌رسد، زیرا این کالا توسط صاحبان نقدینگی خریداری و احتکار شده است. در بازار خودرو نیز شاهدی این‌پدیده و حاکمیت نقدینگی هستیم. هر کسی که امکان برخورداری از منابع نقدی را داشته باشد می‌تواند خودروهای عرضه‌شده به بازار را بخرد و با احتکار قیمت را بالا ببرد. به بیان دیگر خودرو به‌عنوان یک کالای بادوام، به وسیله‌ای برای کسب ثروت و حفظ ارزش پول مبدل شده است.

۵ - تقاضای شکل‌گرفته در بازار برای خودرو اصلاً تاسیسی با شرایط اقتصاد کشور ندارد، به بیان دیگر چنین نیست که شهروندان با گذشت زمان و بهبود وضعیت مالی و افزایش قدرت خریدشان که ناشی از افزایش درآمد صادراتی کشور و افزایش بهره‌وری نیروی کار باشد، به فکر خرید خودرو و معاوضه خودرو فعلی با خودرو بهتر بيفتند. بسیاری از شهروندان خودرو را نه برای رفع نیاز ضروری خانواده، بلکه برای حفظ ارزش پس‌انداز خود از گزند تورم دورقمی خریداری می‌کنند، زیرا می‌دانند قیمت خودرو با مهم مسئولان بالا خواهد رفت.

۶ - ظرفیت و توان صنعت خودرو نه به‌لحاظ کمّی و نه کیفی متناسب با نیاز واقعی جامعه نیست. در شرایطی که در کلان‌شهری مثل تهران تعداد خودرو حتی تا هشت برابر ظرفیت خیابان‌های شهر رسیده است، صنعت خودرو هنوز با قدرت به تولید خود ادامه می‌دهد. برخی از دست‌اندرکاران از پایین‌بودن نسبت تعداد خودرو به هزار نفر جمعیت در کشورمان در مقایسه با کشورهای پیشرفته سخن می‌گویند، اما کسی از بالا‌بودن نسبت تعداد خودرو به ظرفیت معابر شهری سخنی نمی‌گوید.

۷ - خودروسازان نگران کاهش تقاضا برای محصول خود نیستند و لزومی ندارد برای بهبود کیفیت محصول خود تلاش کنند. دیوار بلند حمایت دولت شرایطی را فراهم کرده که مصرف‌کننده داخلی کالایی با کیفیت نازل و با قیمتی سربه‌فک‌کشیده خریداری کند.

۸ - صنعت خودروسازی بیشتر از اینکه استراتژیست و طراح و متخصص داشته باشد، «مدیر» دارد. این شیوه مدیریت و انتصاب‌های رانتی موجب افزایش هزینه تولید شده و در نتیجه خودروسازان حتی با شرایط حمایت گسترده دولت و رباورزیی با مصرف‌کنندگان بی‌پناه و مستاصل با‌هم با سودآوری واقعی فاصله دارند؛ به‌طوری‌که ملاحظه می‌شود بازار خودرو در کشورمان، اقتصاد خودرو یک شرایط بسیار ویژه دارد. تولیدکننده کاری به نیاز واقعی مصرفی جامعه ندارد. مصرف‌کننده از کیفیت کالایی که می‌خرد رضایتی ندارد، اما ناگزیر از خرید است. تولیدکننده بی‌رقیب و بی‌نیاز از تلاش برای جلب رضایت مشتری است. قیمت نه در بازار واقعی و نه در اثر عوامل عرضه و تقاضا، بلکه توسط دلانان و سلسله‌ها تعیین و تکانه می‌شود. تولید این محصول نه با هدف تأمین نیاز مصرفی جامعه، بلکه با هدف تأمین رضایت صاحبان نقدینگی انجام می‌شود و دقیقاً به‌همین‌دلیل تولیدکنندگان برنامه منسجمی برای تولید اتوبوس برای تجهیز ناوگان عمومی ندارند. باید تا دیر نشده، نقشه راه خریدمندان‌های ایرانی آینده صنعت خودرو تدوین شود و ارتباط با این صنعت با نیاز جامعه امروز و ضرورت‌های توسعه کشور قوی‌تر و مدبرانه‌تر برقرار شود. این نقشه راه می‌تواند همان تأثیری را در آینده صنعت خودروسازی کشورمان بگذارد که انتشار کتاب معروف رالف نادر با عنوان «Unsafe at any speed» در سرنوشت صنعت خودروسازی آمریکا گذاشت.

شرق: اشتغال هم‌زمان به‌عنوان یکی از نمونه‌های بارز تضارش بین‌مدبران و افراد ذی‌نفوذ دیده می‌شود. حضور نمایندگان مجلس شورای اسلامی در برخی‌پست‌های دولتی با شرکت‌های برروQC اقتصادی نیز از این قاعده مستثنا نیست. اما ریشه چنین اتفاقاتی کجاست؟ اخیراً سخنان از آن به میان آمده که برخی نمایندگان سابق مجلس، تلاش خود را برای حضور در وزارت نفت آفزون کرده‌اند. علی ابراهیمی، نماینده مجلس دهم شورای اسلامی که در دوره حضور خود تحقیق و تفحص از وزارت نفت درباره وجود فساد در صنعت پتروشیمی را دنبال می‌کرد، در گفت‌وگو با «شرق» به ریشه‌های این اتفاق نگاهی می‌اندازد. به گفته او: «وزارتخانه‌های نفت، صنعت، معدن و تجارت، کار، تعاون و رفاه اجتماعی و اقتصادی و امور دارایی، چهاروزارتخانه بزرگی هستند که عموماً حیاط‌خوت‌های بسیاری دارند. درآمدهای کلانسی که به واسطه شفاف‌نبودن اقتصاد کشور عاید برخی افراد با حضور مواهب آن بهره‌مند شوند. نمایندگان مجلس هم از این قاعده مستثنا نیستند. اما حتی برخی افراد از سیستم حلقه مدیریتی کلان کشور که حاوی تضامی هستند نه انتخابی نیز تلاش می‌کنند حوزه نفوذی روی این چهار وزارتخانه داشته باشند». این نماینده سابق مجلس علل را در این گفت‌وگو بررسی می‌کند.

تعارض منافع همواره یکی از مشکلات و مصائبی است که دستگاه‌های اجرایی با آن مواجه هستند. به این معنا که فرضاً یک نماینده مجلس با ابزارهایی که در دست دارد، در دستگاه اجرایی برای جلب خواسته خود فشار می‌آورد. این اقدام نه فقط از طریق ابزار اجرایی بلکه به کمک اشتغال هم‌زمان در پست‌های دولتی و حضور در مجلس نیز میسر شده است و نمونه‌هایی نیز برای آن وجود دارد. فکر می‌کنید علت این اتفاق چیست؟

تحقیق و تفحص، استیضاح و سؤال سه ابزار نظارتی مجلس بر عملکرد دیگر قواست که نمایندگان مجلس می‌توانند از سؤال و تحقیق و تفحص به صورت انفرادی هم استفاده کنند. متأسفانه به لحاظ آنکه سازوکار انتخابات مجلس شورای اسلامی معیوب و تکامل‌نیافته است، افراد بر اساس توانمندی‌ها و تلاش خود به جمع‌آوری آرا اقدام می‌کنند، نه بر اساس احزاب تا مردم بر مبنای اقبال به احزاب، نمایندگان مدنظر خود را انتخاب کنند. این امر سبب می‌شود فردی که برای به دست آوردن کرسی مجلس تلاش می‌کند، سعی کند برای جلب آرای مردم، قول‌های اجرایی دهد؛ زیرا معمولاً مطالبات مردم مطالبات اجرایی و معیشتی است و چندان روی قانون که اثرگذاری بلندمدت دارد، تمرکز نمی‌کند. این امر سبب می‌شود تا پس از انتخاب فرد به‌عنوان نماینده مجلس، وقتی او مشاهده کرد که توان اجرایی ندارد، برای اجرای آنها تلاش می‌کند از ابزار نظارتی به‌عنوان ابزار فشار بر دستگاه اجرایی و وزرا استفاده کند تا امتیاز بگیرد. در واقع فرد تلاش می‌کند با نمایندگانی که فرضاً یکسری هستند استیضاح دارند، همراهی کرده و دستگاه اجرایی را تحت فشار قرار دهد. این مسئله، اشکال ساختاری مهمی است که به شیوه انتخابات بازمی‌گردد. در نظر داشته باشید

اقتصاد



کدام دستگاه‌های اجرایی برای نمایندگان مجلس کماکان جذاب است؟

حیاط خلوت نمایندگان

هیچ‌گاه از یک ابزار ناقص و اشتباه، روش مطلوب به دست نخواهید آورد. وقتی قالب انتخابات مجلس در ایران به این شکل است، نوع عملکرد نمایندگان مجلس نیز به این شکل ناقص تغییر می‌کند.

وقوع این اتفاقات سلسله‌مراتبی، چه تبعاتی می‌تواند داشته باشد؟

این موضوع، بعضاً وزرا را در انفعال قرار می‌دهد و شاهد هستیم که بسیاری از پروژه‌ها در مناطقی اجرا شده که صلاح نبوده و فرضاً به محیط زیست آسیب‌هایی جدی وارد کرده است؛ مانند بسیاری از طرح‌های پتروشیمی و فولادی که به‌جای نزدیکی به دریا، در مرکز ایران و مناطق خشک ایجاد شده‌اند. تعارض منافع در ایران به سبب آنکه شفافیت کافی در تصمیم‌گیری‌ها و اقتصاد کشور وجود ندارد، بسیار زیاد دیده می‌شود؛ وگرنه اگر در جریان تحقیق و تفحص، سؤال با استیضاح به صورت نظام‌مند و نظارت‌شده عمل شود و نتیجه نیز در اسرع وقت به مردم اعلام شود، این اشکالات تا حدودی برطرف می‌شود. مشکل دیگری که وجود دارد، این است که ممکن است یک نماینده مجلس در قالب تحقیق و تفحص موضوعی مهم را به صورت سالم پیگیری کند، اما چون منفعتی برای نمایندگان دور بعدی ندارد، با وجودی که تا مرحله نتیجه پیش رفته، کنار گذاشته می‌شود. این موضوع احتمالاً درباره تحقیق و تفحص از وزارت نفت که شخصاً پیگیر آن بود، رخ دهد؛ زیرا دیگر نم نماینده برای پیگیری آن حضور ندارم و ممکن است پیگیری آن برای دیگر نمایندگان سودمند نبوده و جذابیت کافی نداشته باشد.

شما با نمونه‌ای از اشتغال هم‌زمان در مجلس و وزارت نفت آشنایی دارید؟
این مشکل ساختاری است و چندان صلاح نیست که به صورت مصداقی روی آن صحبت شود. مشکل، ریشه‌ای است. وزارت نفت، وزارت صنعت، معدن و تجارت، وزارت کار، تعاون و رفاه اجتماعی و وزارت اقتصادی و امور دارایی، چهار وزارتخانه بزرگی هستند که عموماً حیاط‌خلوت‌های بسیاری دارند. درآمدهای کلانسی که به واسطه شفاف‌نبودن اقتصاد کشور عاید می‌شود، بعضاً وزرا را در انفعال قرار می‌دهد و شاهد هستیم که بسیاری از پروژه‌ها در مناطقی اجرا شده که صلاح نبوده و فرضاً به محیط زیست آسیب‌هایی جدی وارد کرده است؛ مانند بسیاری از طرح‌های پتروشیمی و فولادی که به‌جای نزدیکی به دریا، در مرکز ایران و مناطق خشک ایجاد شده‌اند. تعارض منافع در ایران به سبب آنکه شفافیت کافی در تصمیم‌گیری‌ها و اقتصاد کشور وجود ندارد، بسیار زیاد دیده می‌شود؛ وگرنه اگر در جریان تحقیق و تفحص، سؤال با استیضاح به صورت نظام‌مند و نظارت‌شده عمل شود و نتیجه نیز در اسرع وقت به مردم اعلام شود، این اشکالات تا حدودی برطرف می‌شود. مشکل دیگری که وجود دارد، این است که ممکن است یک نماینده مجلس در قالب تحقیق و تفحص موضوعی مهم را به صورت سالم پیگیری کند، اما چون منفعتی برای نمایندگان دور بعدی ندارد، با وجودی که تا مرحله نتیجه پیش رفته، کنار گذاشته می‌شود. این موضوع احتمالاً درباره تحقیق و تفحص از وزارت نفت که شخصاً پیگیر آن بود، رخ دهد؛ زیرا دیگر نم نماینده برای پیگیری آن حضور ندارم و ممکن است پیگیری آن برای دیگر نمایندگان سودمند نبوده و جذابیت کافی نداشته باشد.

شما با نمونه‌ای از اشتغال هم‌زمان در مجلس و وزارت نفت آشنایی دارید؟
این مشکل ساختاری است و چندان صلاح نیست که به صورت مصداقی روی آن صحبت شود. مشکل، ریشه‌ای است. وزارت نفت، وزارت صنعت، معدن و تجارت، وزارت کار، تعاون و رفاه اجتماعی و وزارت اقتصادی و امور دارایی، چهار وزارتخانه بزرگی هستند که عموماً حیاط‌خلوت‌های بسیاری دارند. درآمدهای کلانسی که به واسطه شفاف‌نبودن اقتصاد کشور عاید می‌شود، بعضاً وزرا را در انفعال قرار می‌دهد و شاهد هستیم که بسیاری از پروژه‌ها در مناطقی اجرا شده که صلاح نبوده و فرضاً به محیط زیست آسیب‌هایی جدی وارد کرده است؛ مانند بسیاری از طرح‌های پتروشیمی و فولادی که به‌جای نزدیکی به دریا، در مرکز ایران و مناطق خشک ایجاد شده‌اند. تعارض منافع در ایران به سبب آنکه شفافیت کافی در تصمیم‌گیری‌ها و اقتصاد کشور وجود ندارد، بسیار زیاد دیده می‌شود؛ وگرنه اگر در جریان تحقیق و تفحص، سؤال با استیضاح به صورت نظام‌مند و نظارت‌شده عمل شود و نتیجه نیز در اسرع وقت به مردم اعلام شود، این اشکالات تا حدودی برطرف می‌شود. مشکل دیگری که وجود دارد، این است که ممکن است یک نماینده مجلس در قالب تحقیق و تفحص موضوعی مهم را به صورت سالم پیگیری کند، اما چون منفعتی برای نمایندگان دور بعدی ندارد، با وجودی که تا مرحله نتیجه پیش رفته، کنار گذاشته می‌شود. این موضوع احتمالاً درباره تحقیق و تفحص از وزارت نفت که شخصاً پیگیر آن بود، رخ دهد؛ زیرا دیگر نم نماینده برای پیگیری آن حضور ندارم و ممکن است پیگیری آن برای دیگر نمایندگان سودمند نبوده و جذابیت کافی نداشته باشد.

شما با نمونه‌ای از اشتغال هم‌زمان در مجلس و وزارت نفت آشنایی دارید؟
این مشکل ساختاری است و چندان صلاح نیست که به صورت مصداقی روی آن صحبت شود. مشکل، ریشه‌ای است. وزارت نفت، وزارت صنعت، معدن و تجارت، وزارت کار، تعاون و رفاه اجتماعی و وزارت اقتصادی و امور دارایی، چهار وزارتخانه بزرگی هستند که عموماً حیاط‌خلوت‌های بسیاری دارند. درآمدهای کلانسی که به واسطه شفاف‌نبودن اقتصاد کشور عاید می‌شود، بعضاً وزرا را در انفعال قرار می‌دهد و شاهد هستیم که بسیاری از پروژه‌ها در مناطقی اجرا شده که صلاح نبوده و فرضاً به محیط زیست آسیب‌هایی جدی وارد کرده است؛ مانند بسیاری از طرح‌های پتروشیمی و فولادی که به‌جای نزدیکی به دریا، در مرکز ایران و مناطق خشک ایجاد شده‌اند. تعارض منافع در ایران به سبب آنکه شفافیت کافی در تصمیم‌گیری‌ها و اقتصاد کشور وجود ندارد، بسیار زیاد دیده می‌شود؛ وگرنه اگر در جریان تحقیق و تفحص، سؤال با استیضاح به صورت نظام‌مند و نظارت‌شده عمل شود و نتیجه نیز در اسرع وقت به مردم اعلام شود، این اشکالات تا حدودی برطرف می‌شود. مشکل دیگری که وجود دارد، این است که ممکن است یک نماینده مجلس در قالب تحقیق و تفحص موضوعی مهم را به صورت سالم پیگیری کند، اما چون منفعتی برای نمایندگان دور بعدی ندارد، با وجودی که تا مرحله نتیجه پیش رفته، کنار گذاشته می‌شود. این موضوع احتمالاً درباره تحقیق و تفحص از وزارت نفت که شخصاً پیگیر آن بود، رخ دهد؛ زیرا دیگر نم نماینده برای پیگیری آن حضور ندارم و ممکن است پیگیری آن برای دیگر نمایندگان سودمند نبوده و جذابیت کافی نداشته باشد.

افزایش ۴ میلیونی قیمت سکه در غیاب بازار آتی

شرق: بازار سکه آتی مرداد ۹۷ تعطیل شد. آن زمان فعالان بازار سنتی معترضانه عنوان می‌کردند که عملکرد سکه آتی باعث شده قیمت سکه بالا رود. در نتیجه بازار بورس آتی سکه بسته شد. اما از سال ۹۷ تا حالا نتهتا قیمت سکه ثابت نمانده و اصلاح نشده بلکه با شتاب بیشتری هم افزایش یافته است. آن زمان که بازار سکه آتی وجود داشت، قیمت سکه سه میلیون و ۲۰۰ هزار تومان بود اما الان به هفت میلیون و ۲۵۰ هزار تومان رسیده است؛ یعنی بیشتر از چهار میلیون تومان افزایش قیمت در کمتر از دو سال! به عقیده کارشناسان از اساس دلیلی برای بستن این بازار با هدف جلوگیری از افزایش قیمت‌ها وجود نداشته است. برخی معتقدند تصمیم‌گیرندگان قصد داشتند از این طریق صورت‌مسئله را حذف کنند تا قیمت‌ها در مصاحبه‌ها تعیین شود نه براساس عرضه‌وتقاضا بر روی تابلوی معاملات و برخی دیگر علت اصلی تعطیلی این بازار را با توجه به امکان رصد قیمت‌های ارز در آینده در بازار آتی توسط تحلیلگران، ناتوانی بانک مرکزی در کنترل بازار ارز در سال ۹۷ می‌دانند. به‌هرحال درحال حاضر بعضاً در یک روز افزایش قیمتی یا کاهش قیمت چند صند هزار تومانی را در بازار آتی سکه بازگشایندگان قصد داشتند از این طریق صورت‌مسئله را حذف کنند تا قیمت‌ها در مصاحبه‌ها تعیین شود نه براساس عرضه‌وتقاضا بر روی تابلوی معاملات و برخی دیگر علت اصلی تعطیلی این بازار را با توجه به امکان رصد قیمت‌های ارز در آینده در بازار آتی توسط تحلیلگران، ناتوانی بانک مرکزی در کنترل بازار ارز در سال ۹۷ می‌دانند. به‌هرحال درحال حاضر بعضاً در یک روز افزایش قیمتی یا کاهش قیمت چند صند هزار تومانی را در بازار آتی سکه بازگشایندگان قصد داشتند از این طریق صورت‌مسئله را حذف کنند تا قیمت‌ها در مصاحبه‌ها تعیین شود. او می‌گوید: سؤالات بی‌پاسخ زیادی دراین‌باره وجود دارد؛ مثل اینکه چه حجمی امروز معامله شد که منجر به این تغییر قیمت شد؟ چه کسانی خریدند؟ چه کسانی فروختند؟ و صدها سؤال بی‌جوابی که پاسخ آنها در بازارهای متشکل مانند بورس از ابتدایی‌ترین اطلاعات محسوب می‌شوند و امروز بازار و اساساً نظام اقتصادی از پاسخ آنها بی‌بهره است. یکی از کارشناسان بازار سکه در گفت‌وگو با «شرق» پیشنهاد می‌دهد بار دیگر بازار آتی سکه بازگشایندگان به بانک مرکزی می‌تواند در جایگاه مدیریت بازار آتی سکه ورود پیدا کند؛ حتی در مقطعی دست به پیش‌فروش سکه اما با اعداد بالا و در بازار آتی. پیش‌تر هم پیشنهاد ما برای فروش آتی سکه این بود که سکه را در اعداد بالا در خود بازار آتی عرضه‌کنند اما پیش‌فروش سکه را خارج از بازار آتی انجام دادند و همین موجب شد قیمت‌ها بالا برود و معاملات به هم بریزد. به نظر می‌رسد از دید کارشناسی با موقعیت فعلی این مسئله انجام‌شدنی باشد و امکان عملی‌کردن حضور بازار آتی در جایگاه حلقه وصل معاملات سکه وجود دارد چون هم می‌تواند شفافیت ایجاد کند، هم چون مدیریت آن با بانک مرکزی است، بازار ارز را هم هم‌زمان مدیریت می‌کند. پیشنهاد همه ما بازگشایی مجدد این بازار است و اینکه اجازه دهیم بازار به‌صورت متعادل فعالیت‌های خودش را انجام دهد و درعین‌حال اگر قیمت‌ها هم قرار است تغییری داشته باشند، در آتجا بانک مرکزی می‌تواند با حجم کلان پیش‌فروش انجام دهد. از نگاه من بانک مرکزی می‌تواند بخشی از کسری بودجه دولت را جبران کند؛ همان‌طور که اکنون بخشی از آن را از طریق بورس تأمین می‌کند اما باید پیش‌فروش با قیمت‌های مناسب‌تری انجام بگیرد.

تعیین قیمت در مصاحبه‌ها به‌جای تابلوی معاملات

آرش مرشدسلوک، کارشناس بازار سرمایه، درباره تعطیلی بازار آتی در سال ۹۷ می‌گوید: بحث قراردادهای آتی سکه و بسته‌شدن آن در سال ۹۷ یکی از اتفاقات ناخوشایند بازار سرمایه شاید در آن سال محسوب شود. آن

ملی‌بودن، همواره در انحصار و سیطره تصمیمات دولتی بوده است و جز در صنعت پتروشیمی و آن هم به صورت صوری و نمایشی، شاهد حضور بخش خصوصی نبوده‌ایم. وزارت نفت، شرکت‌های متعددی دارد که هرکدام از آنها درآمدهای درخور توجهی دارند. این شرکت‌ها به صورت هیئت‌مدیره اداره می‌شوند و به همین دلیل، فضای منفعت فردی در آنها بسیار فراهم است. بر اساس قانون خدمات کشوری درباره پایه‌های حقوقی مدیران که در گذشته تصویب شده بود، در درجه اول قوه قضائیه و بعد وزارت نفت و بعد از آن سایر ارگان‌ها و نهاده‌ها، خود را از آن مستثنا کردند. این امر سبب شد پرداختی‌ها در بخش‌های مختلف متفاوت باشد که در نهایت باعث جذابیت پست‌های مدیریتی در صنعت نفت برای بسیاری افراد ازجمله نمایندگان مجلس شده است.

گروه‌های ذی‌نفعسی که از رفع تعارض منافع در قالب اشتغال هم‌زمان منتفع می‌شوند، مقابل هر تلاشی برای مقابله با آن می‌ایستند. در نظر داشته باشید که با اتمام مجلس شورای اسلامی دهم، بعضاً برخی نمایندگان به وزارت نفت رفته‌اند که می‌تواند ایجاد مشکل کند. اصولاً به نظر شما چه اقداماتی برای مقابله با تعارض منافع در قالب اشتغال هم‌زمان می‌توان انجام داد؟

نمایندگی یک مسئولیت بسیار سنگین است و تبعات سنگین اجتماعی دارد. برای مثال، من اکنون در مجلس یازدهم حضور ندارم، اما انتظار اجتماعی از من در حوزه انتخابیه، در سطح یک نماینده مجلس است. تا مجلس شورای اسلامی هفتم، بر اساس تصره‌های قانونی، اگر یک نماینده مجلس در دوره بعدی حضور نداشت، قوه مقننه حمایت‌ها و امتیازاتی را برای آنها در نظری می‌گرفت تا احتیاج نباشد این نمایندگان تلاش کنند در بخش‌های مختلف برای خود امتیاز گرفته و جایگاهی کسب کنند. از مجلس هشتم این امکان از قانون حذف شد و از آن پس، نماینده با تمام دوره فعالیتش، دیگر هیچ امتیازی ندارد. این امر موجب شد تا از آن پس، تلاش برای به دست آوردن جایگاه‌ها از سوی نمایندگان مجلس بیشتر شود. آنچه اکنون صحبت می‌شود، عمدتاً بر سر معلول‌هاست و نه علت‌های وقوع چنین رخدادهایی.

وقتی فردی چهار سال در حوزه قانون‌گذاری تلاش می‌کند، باید آن قدر برای یک سیستم اهمیت داشته باشد که آن فرد خود را به دستگاه‌ها تحمیل نکند. منهای این موارد، اغلب نمایندگانسی که برای حفظ جایگاه خود اقدام می‌کنند، عمدتاً به دستگاه‌هایی می‌روند که برای آنها منفعتی داشته باشد. برای مثال، به‌زودت آموزش و پرورش نمی‌روند، اما وزارت نفت برای آنها جذابیت دارد. این دست اقدامات زمینه را برای حضور دوباره آنها در جایگاه مجلس فراهم می‌کند. بنابراین بهتر است مدیریت کلان کشور پس از پایان ۱۰ دوره مجلس شورای اسلامی، به فکر رفع مشکلات ساختاری آن باشد. پیشنهاد می‌شود یک اقدام مشترک بین دولت و مجلس صورت گیرد تا با استفاده از ظرفیت نمایندگان سابق مجلس، جلوی آسیب‌های احتمالی حضورهای چندگانه نمایندگان مجلس گرفته شود.

زمان تصور می‌شد که قراردادهای آتی سکه بر روی قیمت نقدی سکه طلا اثرگذار بوده و سبب افزایش قیمت سکه طلا شده است. این در حالی بود که متأسفانه بخش اعظمی از قیمت در بازار سکه عملاً متناثر از قیمت ارز است و قیمت جهانی اونس اگرچه در قیمت آن تأثیرگذار است، اما تأثیر سه به یک اونس به ارز در محاسبه قیمت سکه فقط در فرمول خودش را نشان می‌دهد و در واقعیت این ماجرا برعکس است و تأثیر نرخ ارز بر بازار سکه بسیار بیشتر است. او در توضیح نقش بازار سنتی در تعطیلی بازار آتی عنوان می‌کند:

من معتقدم بحث انحصار بازار سنتی نبوده چراکه بازار سنتی در بسته‌شدن بازار آتی دخالتی نداشت و این عمل بیشتر از سوی مدیران دولتی و مدیران اقتصادی مطرح شد؛ زیرا امکان کنترل بازار ارز را نداشتند. سال ۹۷ با توجه به اینکه مشکلاتی در تأمین ارز داشتیم، ارز غیرقابل‌کنترل شد و نتوانستند بازار ارز را کنترل کنند؛ بنابراین چون نمی‌توانستند کنترل بازار ارز را در دست بگیرند، ایده تعطیل‌کردن بازار آتی سکه را مطرح کردند. خود بازار آتی سکه مشکلی نداشت، مسئله اصلی ناتوانی در مهار بازار ارز بود. این کارشناس پیشنهاد می‌دهد: از نگاه من بانک مرکزی با سیاست‌هایی که اتخاذ کرده است و مدیریتی که روی تقاضای ارز اعمال کرده توانسته تقاضای سفته‌بازی را تا حد بسیار زیادی کاهش دهد. تقاضای واقعی هم تا حدود زیادی بهتر شده است. می‌شود گفت که بانک مرکزی اگر این منابعی را در حد مشخص داشته باشد، می‌تواند بازار ارز را کنترل کند و نگرانی از معاملات بازار آتی سکه نداشته باشد. حتی خود بانک مرکزی می‌تواند به‌عنوان بازارگردان به بازار آتی سکه ورود کند. به نظر می‌رسد بانک مرکزی می‌تواند در جایگاه مدیریت بازار آتی سکه ورود پیدا کند؛ حتی در مقطعی سکه پیش‌فروش کند اما با اعداد بالا و در بازار آتی. پیش‌تر هم پیشنهاد ما برای فروش آتی سکه این بود که سکه را در اعداد بالا در خود بازار آتی عرضه‌کنند اما پیش‌فروش سکه را خارج از بازار آتی انجام دادند و همین موجب شد قیمت‌ها بالا برود و معاملات به هم بریزد. به نظر می‌رسد از دید کارشناسی با موقعیت فعلی این مسئله انجام‌شدنی باشد و امکان عملی‌کردن حضور بازار آتی در جایگاه حلقه وصل معاملات سکه وجود دارد چون هم می‌تواند شفافیت ایجاد کند، هم چون مدیریت آن با بانک مرکزی است، بازار ارز را هم هم‌زمان مدیریت می‌کند. پیشنهاد همه ما بازگشایی مجدد این بازار است و اینکه اجازه دهیم بازار به‌صورت متعادل فعالیت‌های خودش را انجام دهد و درعین‌حال اگر قیمت‌ها هم قرار است تغییری داشته باشند، در آتجا بانک مرکزی می‌تواند با حجم کلان پیش‌فروش انجام دهد. از نگاه من بانک مرکزی می‌تواند بخشی از کسری بودجه دولت را جبران کند؛ همان‌طور که اکنون بخشی از آن را از طریق بورس تأمین می‌کند اما باید پیش‌فروش با قیمت‌های مناسب‌تری انجام بگیرد.

زمان نیاز دارد.

یادداشت

رنج‌نامه ایران وروز جهانی شیر!

حسین چمنی - کارشناس صنعت شیر

● سال ۲۰۱۱ سازمان ملل متحد با درخواست سازمان غذا و کشاورزی (FAO) اولین روز ماه ژوئن مطابق با ۱۲ خرداد را به‌عنوان روز جهانی شیر تعیین و معرفی کرده است. چنین مناسبتی برای شناخت اهمیت شیر به‌عنوان یک غذای جهانی تعیین شده است. سال ۲۰۲۰ میلادی، جهان بیستمین سالگرد روز جهانی شیر را برگزار می‌کند. سال گذشته ۶۸ کشور جهان با ۴۲۶ رویداد این مناسبت جهانی را جشن گرفتند.۵۲۵ مقاله رسانه‌ای با ۳۴۱ میلیون خواننده و ۷۵ درصد پست با احساس مثبت، یکی از این رویدادها بوده است. شیر تنها ماده غذایی است که در سال دو روز جهانی به نام آن ثبت شده است؛ روز جهانی شیر (۱۲ خرداد) و روز جهانی شیر مدرسه (۸ مهر).

چرا شیر این‌گونه مورد توجه جهانی است؟

۱- مهر تأیید سازمان ملل به اهمیت شیر، به معنای اجماع علمی جهانی در تأیید و تأکید ضرورت مصرف آن است. به عبارت دیگر نظرات پراکنده‌ای که جست‌وجویخته در سطح جهانی و در ایران به مدد رسانه‌های ارتباط جمعی در مخالفت با مصرف شیر بیان می‌شود، بیشتر نظرات شخصی و فاقد وجهات علمی بوده و از اجماع جهانی برخوردار نیست. از این‌رو رسانه‌ها باید مراقبت کنند تا خواسته یا ناخواسته مروج برداشت‌های غیرعلمی، غیرمستند و اثرگذار منفی بر فرهنگ عمومی نسبت به شیر و فرآورده‌های آن نباشند.

۲- شیر از منظر دینی غذای بهشتی، از نظر علم تغذیه کامل‌ترین غذا و غذای بدون جایگزین، و از نگاه پزشکی واکسن و دارو است. چنین پدیده‌ای باید همواره در مراکز قانون‌گذاری، برنامه‌ریزی کلان و کانون خانواده به اندازه کافی مورد توجه قرار گیرد. اختصاص دو روز در سال برای یادآوری، فرهنگ‌سازی و تذکر مصرف بهینه به دلیل همین اهمیت است. ۳- مجلس، دولت (به‌ویژه وزارتخانه‌های بهداشت، آموزش و پرورش، جهاد کشاورزی و ارشاد اسلامی)، والدین، دامداران، صنایع تبدیلی شیر، سازمان‌های مردم‌نهاد، شورای عالی غذا و تغذیه، شورای اقتصاد، شورای عالی سالمندان، ستاد انقلاب فرهنگی، شورای فرهنگ عمومی و همه سازمان‌ها و مجموعه‌هایی که مسئولیت فرهنگی دارند و به ارتقای شاخص سلامتی جامعه می‌انديشند، به‌ویژه رسانه‌ها مخاطب این رویداد هستند.

چرا ایران باید پیش از سایر کشورها به این مهم بپردازد؟

۱- سرانه مصرف شیر و فرآورده‌های آن در ایران در مقایسه با میانگین مصرف جهانی ۳۰ درصد و در مقایسه با میانگین کشورهای توسعه‌یافته ۶۵ درصد کمتر است. آمارهای وزارت بهداشت نشان می‌دهد که دریافت کلسیم جامعه ایرانی ۴۰ درصد از حداقل دریافت کلسیم کمتر است و این موضوع می‌تواند تبعات زیادی از جمله گسترش پوکی استخوان، مشکلات لته و دندان‌کوتاهی قد، کاهش بهره هوشی و… را به دنبال داشته باشد.

۲- پدیده پیری با سرعتی معادل دوبرابر سرعت جهانی جمعیت کشور را تحت تأثیر قرار داده است. شیر و فرآورده‌های آن در صورت مصرف مستمر و کافی بسیاری از عوارض دوران سالمندی را کاهش داده و می‌توانند ضمن افزایش امید به زنده‌بودن، امکان زندگی‌کردن و جلوگیری از پیری زودرس و زمینگیری را برای جمعیت سالمند کشور به ارمغان آورد. نقش‌های جمعیت‌شناسی کشور نشان می‌دهد که ۳۰ سال آینده جمعیت سالمند کشور به حدود ۲۶ میلیون نفر خواهد رسید. اگر در خوش‌بینانه‌ترین شرایط فقط ۱۰ درصد این جمعیت زمینگیر شده و فاقد توانایی خوداتکایی برای رفع نیازهای شخصی باشند، کشور به ۲۶ هزار خانه سالمندان صدفقره احتیاج خواهد داشت. درحال‌حاضر تنها حدود ۳۰۰ مرکز نگهداری سالمندان در ایران فعالیت می‌کنند. نیمی از سالمندان درآمدی ندارند و حداقل ۱۳ درصد آنان تنها زندگی می‌کنند. این آمارها به دلیل کاهش نرخ ازدواج و خانواده‌های تک‌فرزند یا بدون فرزند به‌سرعت تغییر کرده و بی‌توجهی به آن می‌تواند سونامی غیر قابل‌کنترلی را در کشور ایجاد کند.

۳- درچند برنامه توسعه پنج‌ساله کشور، هدف‌گذاری کمی برای افزایش سرانه مصرف شیر انجام شده است اما هرگز برای دستیابی به آن برنامه مدون یا مسئول‌پیکری و پاسخ‌گو مشخص نشده است. سرانه مصرف شیر همچنان بدون متولی مستقیم، مسیر خودش را در میان نقاط کور فرهنگی، بی‌توجهی مسئولان، بدآموزی‌های رسانه‌ای و غیرمدرسه‌ای مردم به سمت کاهش یا بی‌تحریکی می‌گذرد و هنوز نقطه امید برای تغییر این وضعیت به چشم نمی‌خورد. تنها طرح مصوب قانونی که می‌توانست اثرات شگرفی در تغییر سبک زندگی و نگاه به شیر داشته باشد، طرح شیر مدرسه است که فقط چند سال به اجرا درآمد و اینک سال‌هاست یاد خاطره‌ای از آن برجای مانده است. هدف این طرح که بیش از صد سال در کشورهای توسعه‌یافته سابقه دارد، آشتی‌دادن کودکان و نوجوانان یعنی مهم‌ترین گروه مخاطب با شیر است که آن‌هم در جنبه کمبود بودجه و مسئولان ناآشنا و بی‌ایمان به آثار مثبت غیرقابل‌شمارش شیر، سال‌هاست بیش از شبی از آن باقی نمانده است.

ادامه در صفحه ۵